



۲۰۱۳/۰۱/۲۶

داکتر عبدالرحمن زمانی

سرگذشت مرحوم سیدشمس الدین خان مجروح و مطالب چندی پیرامون حوادث ذکر شده در آن

(قسمت دوم)

در قسمت گذشته راجع به موضوع زندانی شدن غازی میرزمان خان کنری که در سرگذشت مرحوم سید شمس الدین خان مجروح به آن اشاره شده بود، صحبت مختصری داشتیم و در آن از مبارزات مسلحانه ضد انگلیسی آزادیخواهان کنر در عهد امیرحبيب الله خان، شرکت روحانیون در اوایل جنگ های آزادیبخش مناطق سرحد آزاد، جلوگیری امیرحبيب الله خان ازین جنگ ها، اطاعت روحانیون ازین اقدامات امیر، و بلاخره مخالفت بعضی از روحانیون متنفذ با آزادیخواهانی که به اقدامات امیر توجهی نداشتند، و چگونگی زندانی شدن غازی میرزمان خان کنری مختصراً یادآوری نمودیم. درین قسمت میخواهم در رابطه با عوامل ناآرامی های کنر در دوره امانی، که در سرگذشت شان (صفحه ۴۱) ذکر شده، مطالب و اسناد چندی را خدمت هموطنان عزیز تقدیم کنم. البته هموطنان گرامی ای که در رابطه با قسمت اول خواهان معلومات بیشتر باشند، میتوانند به کتاب «مبارزات آزادیبخش در سرحد آزاد و نقش غازی میرزمان خان در غزوات مشهور مومند» که به لسان پشتو در سال ۲۰۱۰ به نشر رسیده است مراجعه کنند. (۱)

علل ناآرامی های کنر در عهد امانی

کنر همواره برای انگلیس ها از اهمیت خاصی برخوردار بود. این دره طولانی که توسط خط تحمیلی سرحدی دیورند از مناطق سرحدی آزاد مهمند (مومند)، باجور و دیر جدا شده است، بخاطر موقعیت خاص جغرافیائی اش دارای اهمیت اقتصادی، فرهنگی و سوق الجیشی بوده است. لشکر های جهان گشایانی چون اسکندر و بابر قبل از رسیدن به هند از منطقه کنر گذشته و در راه رسیدن به لاهور و دهلی با ائتلاف قدرتمند قبایل کوهستانی کنر پنجه نرم میکردند.

قبل از جدائی کنر و چترال و تعلق گرفتن آن بدو کشور افغانستان و پاکستان امروزی، کنر و چترال در مسیر یک شاخه از راه ابریشم قرار داشتند که از ارزش مهم تاریخی و تجارتي برخوردار بوده و آسان ترین راه عبور از کوتل های پامیر و رسیدن به میدان های هموار شبه قاره هند بود. این موقعیت کنر که در مسیر راه آسیای مرکزی و چین غربی قرار داشت و بدخشان و سرحدات روسیه را در شمال از طریق باجور به وادی پشاور و سواحل دریای سند وصل میکرد، برای هند بریتانوی نیز از اهمیت ستراتیژیک خاصی برخوردار بود. کنر از طریق دره پیچ به پنجشیر نیز راه دارد که این راه ها در دوران جنگ مقاومت مردم غیور ما به مقابل تجاوز روس نیز مورد استفاده مجاهدین قرار میگرفتند. (۲)

کنر همچنان بنا بر موجودیت یک پایگاه مسلمانان هندوستانی که علیه استعمار انگلیس مبارزه میکردند، و در چمرکند، یک روستای کوچک مرزی در نزدیکی منطقه مهمند و سرکانی کنر، مستقر بودند، برای انگلیس ها هم از نظر امنیتی (جلوگیری از شبیخون های جنگجویان بر پوسته های امنیتی اطراف پشاور) و هم از نظر تلاش های شان برای کوبیدن و شکستن مقاومت از اهمیت بسزائی برخوردار بود.

چون کنترل مناطق سرحدی اساس سیاست خارجی انگلیس ها را میساخت، لذا برنامه سازان ستراتیژی انگلیس برای منطقه در طول دوران امپراتوری شان به مناطق دوطرف خط تحمیلی دیورند، خصوصاً کنر و مهمند، توجه خاص داشتند. از همین جاست که تلاش های مقامات انگلیسی برای داشتن لانه های جاسوسی، نفوذ و داشتن پایگاه مستحکم در کنر، سابقه طولانی داشته تادوران امیر دوست محمد خان و امیر شیر علیخان میرسد.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکني د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

در رابطه با علل ناآرامی های کنر در عهد امانی میتوان از عوامل ذیل نام برد:

نقش غازیان کنرومیرزمان خان «کنری» در جنگ استرداد استقلال و جبران شکست جبهه جلال اباد

رشادتی که آزادیخواهان کنر در جبهه چهارم جنگ استقلال (جبهه چترال و کنر) از خود نشان دادند دشمنی بیشتر انگلیس ها را برانگیخت. غازی میرزمان خان در معرکه استرداد استقلال افغانستان در ۱۹۱۹ میلادی بحیث سرلشکر و مسئول این جبهه موفق و فتوحات و پیروزیهای آن علیه استعمار هند بریتانوی نقش بارز داشت.

به استناد مدارك، اسناد و شواهد تاریخی، این جبهه شکست قوای سپه سالار صالح محمد خان رادر جبهه خیبر تلافی کرد. اصلاً پیشروی غازیان افغان درین محاذ و تصرف «ارنوی» و پیشروی نیروهای افغانی تا «قلعه دروش» چترال سبب شد که قوای انگلیسی حاضر شوند در بدل تخلیه آن از «دکه» به «تورخم» عقب نشینی کنند و مشروعیت حق ملکیت افغانستان بر منطقه سرحدی «دوکلام» تثبیت شود. خوانندگان محترم میتوانند برای معلومات بیشتر درین زمینه به کتاب «جنگ استرداد استقلال افغانستان: جبهه فراموش شده چترال و کنر، حقایق نهفته و حرف های ناگفته جبهه چهارم» که در سال ۲۰۰۷ میلادی در پشاور نشر شده است، مراجعه کنند.

بعد از استرداد استقلال افغانستان، در پهلوی اهمیت ستراتیژیک کنر برای انگلیس ها، غازی میرزمان خان نیز که از مبارزین سرسخت ضد استعمار انگلیس و طرفدار جدی نهضت امانی و شاه امان الله خان غازی بود، و دیگر خار چشم انگلیس ها تلقی میشد، در مرکز توجه توطئه های انگلیس و عمال داخلی آن قرار گرفت و دیگر قابل تحمل نبود، یا به گفته جناب مجروح صاحب «بلاخره شخصی گشت که دیگر در کنر نمی گنجید و با قیام صافی ها و نا رضائی مردم مواجه شد» (ص ۴۲)

آری، انگلیس ها و عمال داخلی شان در رابطه با غازی میرزمان خان کنری توطئه های گوناگون شانرا آزمودند: گاهی تلاش نمودند بین او و سران قومی دیگر اختلاف ایجاد کنند؛ توطئه های کشتن آن آزاده مرد و فرزندانش را طرح نمودند؛ کوشیدند او را بخرند و در بدل وفاداری به انگلیس ها برایش در نزدیکی های پشاور امتیازات مادی و زمین پیشکش نمایند؛ تلاش نمودند با نصب کردن واحد شینواری یا مستر وید آسترالیایی بحیث خان کنر، او را از منطقه کنر بیرون و به لوگر انتقال دهند؛ باری بین او و غازی امان الله خان سئو تفاهم و رنجش خلق کردند؛ به ترور شخصیتش دست زدند و چه کارهایی که نکردند.

یکی از کسانی که سخت تلاش داشت علیه غازی میرزمان خان توطئه بچیند، سردار محمد هاشم خان، برادر سپه سالار محمد نادر خان بود که در اوایل سلطنت غازی امان الله خان بحیث نایب الحکومه ننگرهار کار میکرد. خوانندگان محترم میتوانند درین رابطه به روایات و یادداشت های بسیار جالب و مستندی از مرحوم پاچا صاحب سید محمد سرور خان کنری، پدر پوهاند داکتر صاحب هاشمیان، حاکم کلان وقت کنرها مراجعه کنند که در شماره ۱۱۵ (ماه آگست ۲۰۰۹) مجله آئینه افغانستان به نشر رسیده است و با توطئه های انگلیس برای سقوط دولت امانی ارتباط می گیرد.

عبدالواحد شینواری یا مستر وید آسترالیایی یکی از مهره های مهم دیگر توطئه های انگلیس بود. او از جمله افغان های سرحدی ایست که در اواسط ۱۸۸۰ با پسر کاکایش غنی خان توسط فیض محمد و تاج محمد با شتر هایش به استرالیا برده شده در دشت های پهناور آن سرزمین به کار گماشته شد. وی انگلیسی را خوب یاد گرفت و با یک خانم استرالیایی ایکه قبلاً یک شوهر افغان داشت ازدواج نمود. وی در سال ۱۸۹۵ به حیث مدیر کمپنی «بورک کیمل کیرتینگ» با منشی آن کمپنی به نام «جیورج تول» برای خریداری شتر و استخدام شتربانان چندین بار به کراچی سفر نمود و در مدت کمی بعد از اندوختن ثروت هنگفت گویا خود به خریداری و واردات شتر و استخدام شتربانان افغان پرداخت و به اسم مستر وید استرالیایی شهرت یافت.

به استناد اسناد محرمانه استخبارات انگلیس، عبدالواحد بار اول بعد از استرداد استقلال افغانستان خود را به نام یکنفر سید با احساس افغان که میخواهد تجربه و سرمایه اش را به خدمت افغان ها وقف نماید، معرفی و پیشنهاد نمود که امتیاز استخراج معدن طلا قندهار و تجارت چوب کنر به او داده شود و برای این مقصد ده هزار پوند طلا را به قسم حق الامتیاز پیشنهاد نمود. یادداشت محرمانه شماره (۴۳) اداره استخبارات بلوچستان برای هفته که به تاریخ دوم مارچ ۱۹۲۱ ختم میشود گزارش میدهد که «به یک نفر سیدی به نام میر عبدالواحد در رابطه با معدن طلا قندهار و عده ملاقات داده شد.» اگرچه پیشنهاد وی جالب بود، بزودی آشکار گشت که پشت پرده دست انگلیس کار میکرد، و شرکای اصلی او مؤسسات انگلیسی بوده او فقط نماینده آنها به شمار میرفت و هدف اصلی نیز پیدا کردن راه نفوذ به

مناطق حساس افغانستان بوده است. شاید تصادفی نباشد که در راپور بعدی همان اداره، سه هفته بعد به تاریخ ۲۳ مارچ ۱۹۲۱ از دسیسه ضد حکومتی در قندهار و زندانی شدن یکتن از مولویان سرشناس قندهار اطلاع داده شد.

مستر وید بار دیگر مقارن فتنه ملای لنگ و اغتشاش خوست به نام سید نه بلکه شینواری به افغانستان می آید. یادداشت محرمانه شماره (۱۸۶) اداره استخبارات بلوچستان برای هفته که به تاریخ ۱۶ اپریل ۱۹۲۴ ختم میشود، گزارش میدهد که «عبدالواحد خان شینواری و یک نفر استرالیایی درین اواخر از قندهار وارد کونئته شدند. آنها برای دیدن معدن طلا به قندهار رفته بودند.»

طوری که از صفحه ۴۵۲ کتاب انگلیسی خانم سنیوارت که به نام "آتش در افغانستان" و "اور په افغانستان کی" به زبان های دری و پشتو هم ترجمه شده است، به ملاحظه میرسد، مستر وید مذکور در سال ۱۹۲۵ به آتشه نظامی سفارت انگلیس در کابل نوشته بود که هنوز هم یگانه آرزوی او خدمت به منافع دولت بریتانیا بوده و یقین دارد که درین راه سردار نادر خان، که سال گذشته در پاریس با او ملاقات نموده است، با وی کمک و همکاری خواهد نمود.

ویکتور بایلی انجیری که مسئولیت ساختمان خط آهن دره خیبر را به عهده داشت در صفحات ۲۴۵-۲۴۷ کتاب خود به نام ماجراجویی در خیبر از ملاقات شگفت آورش با ابن عبدالواحد شینواری سنگوخیل یا مستر وید استرالیایی نیز یاد آور شده است. و این زمانیست که جنگجویان افریدی و شینوار با ساختمان این خط آهن مخالفت و مقاومت نموده و دو نفر از شینواری های سنگوخیل به نام های داوود شاه و اردلی تولی مشران انگلیسی را در همین ساحه به قتل رسانده بودند.

شکست اغتشاش جنوبی و نقش غازی میرزمان خان در پایان دادن به جنگ از طریق جرگه قومی

اغتشاش جنوبی بیش از یکسال دوام نمود و شدت جنگ آن از مراحل مختلفی گذشت، تا بالاخره برای خاتمه دادن آن به راه حل غیر نظامی و جرگه قومی مراجعه شد. اما جرگه رهبران قومی جدران (خُدران) با فرقه مشر شیر احمدخان به نتیجه نرسیدوبها بازگشت لشکر از خوست، جنگ خُدران از سر گرفته شد. در دوران جنگ ملکان خُدران بشرطی حاضر به مذاکره شدند، که غازی میرزمان خان کنری که خود یک رهبر قومی بود، درین جرگه شرکت کند. این پیشنهاد پذیرفته شد و در جرگه قومی قناعت رهبران قومی حاصل شده، با تسلیم کردن اسلحه به غنیمت گرفته شده دولتی حاضر شدند به ضمانت میرزمان خان کنری به کابل آمده با شاه آشتی کنند. (۳)

همفریز، وزیرمختار انگلیس در کابل به تاریخ ۲۲ دسمبر ۱۹۲۴ درین باره به وزارت خارجه خود گزارش داد که میرزمان خان کنری دیروز با ۱۵۰ نفر از ملک های خُدران به کابل رسید. خُدران ها مذاکره و پیمان با مأمورین فارسی زبان را رد کرده و گفته اند که با حکومت افغانستان تنها از طریق میانجیگری یکی از پشتون ها حاضر به مذاکره میشوند. میرزمان خان خود ش مسؤلیت تضمین و امنیت آنها را به عهده گرفته است.

بعد از ختم اغتشاش خوست که مدت یکسال را در بر گرفت، کنر و غازی میرزمان خان مرکز توجه دوباره انگلیس ها قرار گرفت و سعی شد تا با نصب کردن همان عبدالواحد شینواری و بهانه استفاده از چوب های جنگلات کنر، صادرات آن به هند بریتانوی و استخراج سنگ های قیمتی، کنر به یک پایگاه فعالیت های انگلیس

AFGHANISTAN.
Decypher. Sir F. Humphrys (Kabul).
December 22nd 1924.
D through Peshawar December 24th 1924.
R. 12. noon. December 25th 1924.
Na 298 (sic?208).

Khost rebellion. Mir Zaman of Kunar arrived at Kabul yesterday from Khost with about four thousand tribal levies and 150 Zadran Maliks. Zadrans refused to trust any Persian speaking official and agreed to treat with Afghan government only, through Pathan intermediaries. Mir Zaman has made himself personally responsible for their safe conduct to Kabul. It is (? corrupt group) reliable (sic) reported (1) that Zadrans have already surrendered considerable quantity of Afghan government rifles and are ready to surrender the balance on promise of pardon, (2) that many #azirs and Mahsuds have been fighting against the Amir on the side of the Zadrans, (3) that Abdul Karim pretender and (Lame) Mulla talk of seeking refuge in Mohmand country.

A truce has been agreed upon pending the result of the negotiations now in progress.

مکتوب محرمانه همفریز، وزیرمختار انگلیس در کابل راجع به بازگشت میرزمان خان کنری از جنوبی

د پانوی شمیره: له ۳ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

تبدیل شود. در یادداشت آتشه نظامی نمایندگی بریتانیا در کابل برای هفته که به تاریخ ۲۱ می ۱۹۲۶ ختم میشود، در ضمیمه گزارش شماره ۳۹ مؤرخ ۲۶ می ۱۹۲۶ وزیرمختار بریتانیا در کابل در رابطه با ایجاد نا آرامی در کنر و تلاش های نصب کردن عبدالواحد چنین می خوانیم که :

«الف). امیر خاموشانه در جلال آباد بسر میرد. باوجودی که [حالت صحی] وی آنقدر خوب نیست تا بیرون برود، باز هم با شدت تفتیش اداره محلی را تعقیب میکند. .. و حالا به پشتوی روان صحبت میکند. ب). علت ناآرامی کنر ادعای

شدت غیرلازم اداره میرزمان خان میباشد. ملای چکنور که با بی میلی از پلان رفتن امسالش به مکه منصرف شده است، با پاچای اسلامپور امیر را در حل [این] مسئله کمک میکنند. بعد از فرستادن پادشاه گل پسر حاجی صاحب ترنگزی، میرزمان خان خودش به جلال آباد آمد. فکر میشد که امیرعبدالواحدرا به عوض میرزمان خان تعیین کند، اما تاریخچه عبدالواحد نشان دهنده آن نیست که وی، حتی اگر توسط روحانیون حمایت شود، برای مردم کنر قابل قبول باشد. عبدالواحد اگرچه توسط مامورین از یک قسمت زیادی از سرمایه اش محروم گشته است، تا هنوز به اندازه کافی پول دارد که چوب های کنر را به نفعش به کار اندازد. اداره کنر یک سؤال بسیار حساس است و یک خطای سیاست میتواند به یک انقلاب توسط صافی های کنر بیانجامد که ممکن است مهمند های محلی نیز به آنها بپیوندند.»



خبر بازگشت غازی میرزمان خان کنری از سمت جنوبی در جریده امان افغان

شخص دیگری که بزودی با مستر وید همکار و همدست میشود، "ایم. ای. حکیم" است که درین وقت به نام نمائنده "ابنر" تاجر آلمانی که تجارخانه در کابل دارد، بین کابل و پشاور در رفت و آمد میباشد و به گفته سید قاسم خان رشتیا این همان حکیم جان مشهور است که بعد ها به حیث رابط و نمائنده معتمد نادر خان در مسایل محرمانه با مقامات عالیرتبه دولت بریتانیا در هند اجرای وظیفه مینمود و بعد از پادشاهی سردار نادر خان مرکز فعالیت خود را به کابل انتقال داده تمام خریداری های حکومتی در انحصار او درآمد. (۴)

مخالفت روحانیون طرفدار سردار نصرالله خان با رژیم امانی

در خرابی اوضاع کنر روحانیون منتفذ هم رول داشتند. علت اصلی مخالفت بعضی از روحانیون منتفذ کنر با رژیم امانی و شرکت مخفیانه شان در نا آرامی های منطقه، شهرت امان الله خان به بی دینی نبوده بلکه بعد از گذشته شدن امیر حبیب الله خان، شکست سردار نصرالله خان در رقابت بین وی و غازی امان

الله خان بر سر جانشینی و کرسی امارت بود. روحانیون منتفذ و بعضی از خلفای مرحوم ملا نجم الدین آخندزاده صاحب هده از حامیان سرسخت سردار نصرالله خان، رهبر گروه مذهبی و سنت گرا، بشمار رفته و بعد از شکست و وفات سردار نصرالله خان در زندان ارگ به عناصر ناراض و مخالف دولت امانی تبدیل شدند و در تحریک بعضی از سرکردگان قوم شینوار دره شینگل کنر ها و برهم زدن امنیت در منطقه دست داشتند. تا اینکه دولت امانی مجبور شد برای اعاده امنیت منطقه چند نفر از آنها را بعد از محاکمه و اثبات جرم شان اعدام کند.

د پانو شمیره: له ۴ تره

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

برویت اسناد محرمانه آرشیف هند بریتانوی، شارژدافیر سفارت انگلستان در کابل در گزارش شماره ۴۲ مؤرخ دهم جون ۱۹۲۶ خود از بازدید اعلیحضرت امان الله خان از جلال آباد و اعدام هائی خیر داده است که اکثر شان دزدان بوده ولی در بین شان سه مرد نسبتاً مهم بنام های علی خان، تاج محمد و وافید خان نیز شامل میباشند، که هر سه تن از شینواری های شینگل دره کمر میباشند.

(ادامه دارد)

مأخذ و توضیحات

۱. عبدالرحمن زمانی (۲۰۱۰). په آزاد سرحد کې خپلواکۍ غوښتونکي مبارزې او د مومندو په مشهورو غزاګانو کې د غازي ميرزمان خان ونډه. مسکا خپرنډويه ټولنه، کابل - افغانستان .
۲. عبدالرحمن زمانی (۲۰۰۷). جنگ استرداد استقلال افغانستان : جبهه فراموش شده چترال و کمر، صفحات ۵۱-۵۲.
۳. تفصیل این رویداد در نسخه قلمی سیف الامان، اثر عبدالخالق اخلاص (صفحات ۸۸-۸۹) ذکر شده است. در نتیجه فیصله این جرگه بیش از ۱۵۰ نفر از ملکان قوم خدران درحالی که گل محمد خان و عصمت الله خان دو پسر غازي ميرزمان خان در خدران باقیماند، به همراهی ميرزمان خان کنری به کابل آمده با غازي امان الله خان ملاقات نموده جنگ خاتمه یافت.
۴. سيد قاسم رشتيا (۱۳۷۸). نادر چگونه به پادشاهی رسید، صفحات ۵۶-۵۷.

د پاڼو شميره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ